رجال عصر پهلوی [۲۸]
به روایت اسناد ساواک
احسان نراقی

احسان نراقی-۱۱

اسناد ساواک:

نراقی از آرزوی انجام نشده وزارت رنج می‌برد

این شایعه، به میزانی قوت داشت، که حتی یکی از بستگانِ هادی هدایتی، وزیر آموزش و پرورش، که خود ریاست فرهنگ شهری را به عهده داشت، آن را تأیید نمود:

«وضع وزیر آموزش و پرورش هم روشن نیست و احتمال می‌رود عوض شود و جانشین او هم، به احتمال قوی، دکتر احسان‌اله نراقی خواهد بود.»[۸۱]

با وجود اینکه فرهنگیان حزب ایران نوین، از این شایعه، ناراضی بودند، ولی این حرف، «به قوت خود باقی»[۸۲] بود که:

«همین چند روز[است که]دکتر احسان‌اله نراقی وزیر آموزش و پرورش شود، زیرا هم قدرت و نیرو دارد و هم فعلاً معاون عمومی سازمان امنیت می‌باشد.»[۸۳]

ولی این بار نیز، پس از گذشت چند ماه، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۵ش، شایعه وزارت احسان نراقی، افول کرد و دیگر خبری از آن نبود،[۸۴] تا اینکه در دی ماه همان سال، شایعه تشکیل وزارت جوانان بر سر زبان‌ها افتاد و احساسِ وزارتِ احسان نراقی نیز دوباره غلیان یافت:

«آقای احسان‌اله نراقی، دانشیار دانشکده ادبیات، شروع به فعالیت کرده است تا در صورت تشکیل وزارت جوانان، در رأس این وزارتخانه قرار گیرد. نامبرده با آقای نخست‌وزیر نیز ملاقات و اظهار داشته: چنانچه من در رأس وزارت جوانان قرار گیرم، می‌توانم عدهٔ کثیری از دانشجویان را که به من اعتقاد دارند، به سازمان جوانان جلب کرده و در اطراف شما جمع نمایم.»[۸۵]

در این نوبت نیز، نه وزارت جوانانی تشکیل شد و نه احسان نراقی به وزارت رسید؛ بلکه در مرداد ماه سال ۱۳۴۷ گفته شد:

«قرار است نامبرده، رئیس یکی از دانشگاه‌ها بشود و پرونده وی را روز ۴۷/۵/۱۳ وزارت علوم از کارگزینی دانشگاه تهران خواسته بود و این امر، موضوع فوق را بیشتر تقویت می‌کند.»

و ساواک نیز در ذیلِ این خبر، نظریه نوشت که :

«آقای دکتر نراقی، خیلی مورد توجه آقای نخست‌وزیر و وزیر[علوم است و]انتصاب وی جهت ریاست یکی از دانشگاه‌ها، بعید نیست.»[۸۶]

ولی، عدمِ دعوت او به کنفرانس رامسر، این شایعه را نیز منتفی کرد:

«آقای دکتر صالح، رئیس سابق دانشگاه تهران، در یک مذاکره تلفنی اظهار می‌داشت: دیشب آقای دکتر نراقی به من تلفن کرد و می‌گفت: به کنفرانس رامسر مرا دعوت نکرده‌اند و علت آن را نمی‌دانم. روز ۴۷/۵/۱۵ شخصاً به رامسر رفته و از آقای نخست‌وزیر جریان امر را سؤال خواهم کرد و از این موضوع، خیلی عصبانی بود.

نظریه منبع: با این وصف، شایعاتی که مبنی بر انتصاب دکتر نراقی به ریاست یکی از دانشگاه‌ها وجود داشته، منتفی می‌شود.»[۸۷]

تا بالاخره، در حاشیه شایعه تغییراتِ کابینه، سابقه تلاش احسان نراقی برای تصدی وزارت آموزش و پرورش، شش ساله شد:

«دوستان و طرفداران احسان نراقی، که مدت شش سال است برای تصدی وزارت آموزش و پرورش وی زمینه‌سازی می‌کنند، اغلب افرادی هستند که در گذشته با محمد درخشش نیز همکاری و همفکری داشته‌اند. این دسته، در ایجاد تحریک و تشنج بین معلمین، نقش مهمی دارند. عباس مسعودی، مدیر روزنامه اطلاعات و اکثر نویسندگان این روزنامه، از دوستان احسان نراقی به شمار می‌روند و برای وزارت او زمینه‌سازی می‌کنند.»[۸۸]

و این تلاش مکرر، درحالی صورت می‌گرفت که مثل گذشته، عدم مقبولیتِ احسان نراقی در بین فرهنگیان، موضوع برخی از گزارش‌ها بود.[۸۹]

احسان نراقی که هر چه برای رسیدنِ به این مقام، بیشتر تلاش می‌کرد، کمتر نتیجه می‌گرفت، به صورت علنی به میدان آمد و در یکی از سخنرانی‌های خود در مؤسسه مدیریت آموزش و پرورش، که «وزیر آموزش و پرورش و معاونان و رؤسای ادارات کل وزارت آموزش و پرورش» شرکت داشتند، «بحران تعلیم و تربیت» را موضوع بحث قرار داد و گفت:

«بحران تعلیم و تربیت، به تدریج در اکثر کشورهای جهان، آثار خود را نمودار می‌سازد و در کشورهای فرانسه ، ایتالیا ، یونان و اکثر کشورهای آمریکای لاتین، آثار آن، به صورت قیام دانشجویان و دانش‌آموزان علیه دستگاه حکومت، علنی شده است.»

احسان نراقی، در این سخنرانی، تعلیم و تربیت در کشور فرانسه را محمل قرار داد تا شناخت خویش از آسیب‌شناسی سیستم فرهنگی ایران را به رُخ حاضرین بکشاند. او یکی از علل این بحران را، قدیمی بودن سیستم آموزش، مطرح کرد و سپس به پاشنه آشیلِ وزارت آموزش و پرورش، که همانا حقوقِ معلمین بود، پرداخت و این مسئله را یکی دیگر از علل اصلی بحران تعلیم و تربیت معرفی کرد:

«آموزگار، در اجتماع امروز ایرانی، چه از نظر مالی و چه از نظر معنوی، فاقد ارزش و شخصیت لازم است و فقط کسانی که از همه جا مانده‌اند، برای خدمت معلمی به فرهنگ مراجعه می‌کنند و آنها هم، به مجرد اینکه در سازمان دیگری حقوق بهتری پیدا کنند، فوراً خدمت معلمی را رها خواهند نمود.»[۹۰]

دو سه روز بعد، معلوم شد که نراقی در سخنان خود، پا را از این هم فراتر گذاشته و گفته است:

«تا زمانی که معلم راضی نباشد و حقوق به اندازه سیر کردن شکمش نگیرد، صحبت درباره تعلیم و تربیت بی‌ثمر است.»[۹۱]

در این شرایط زمانی بود که احسان نراقی را راهی فرانسه کردند تا در سازمان یونسکو، دارای مقامی باشد که در این موقع نیز، روحیه وزارت‌طلب او، به شرح زیر مورد نقد و بررسی عده‌ای از دانشجویان ایرانی در پاریس واقع شد:

«چون احسان نراقی در ایران برای به دست آوردن مقامات مهم ناکامی داشته، با گرفتن شغل فعلی در یونسکو، خواسته است مقیم پاریس باشد تا طرفداران جبهه ملی را دور خود جمع کند و به دستگاه بفهماند که او قادر است در هر جا، این گونه جوانان را قبضه کرده و در اختیار بگیرد؛ شاید به این وسیله، توجه دولت را در مورد دادن مقامات مهمی به خود جلب نماید.»[۹۲]

حضور احسان نراقی در فرانسه و ارتباط با برخی از دانشجویان که در جبهه به اصطلاح روشنفکری با رژیم ایران به مقابله مشغول بودند و همچنین اظهارنظرهایی که در خصوصِ برنامه‌های اجرایی در محیط‌های آموزشی ایران داشت، موجب شد تا درباره او نوشته شود:

«احساس می‌شود که ایشان، از یک آرزوی انجام نشده رنج می‌برد.»

ولی سپهبد ناصر مقدم، در ذیل این گزارش که به نوعی، تقاضایِ برآورده نمودنِ آرزوی احسان نراقی، با هدفِ کنترل او بود، نوشت:

«اگر مقامی مانند وزارت بدهند، باز هم ۱۸۰ درجه تغییر شکل خواهد داد.»[۹۳]

سال‌ها از این جریان گذشت تا احسان نراقی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در گفتگویی با محمد قوچانی و علیرضا اشراقی در ۱۳ تیرماه سال ۱۳۸۱ش، از این «آرزویِ برآورده نشده»، چنین عقده‌گشایی می‌کند:

«در سال ۱۳۴۸ برای امتناع از قبول وزارت، از ایران به پاریس و به یونسکو مهاجرت کردم.»[۹۴]

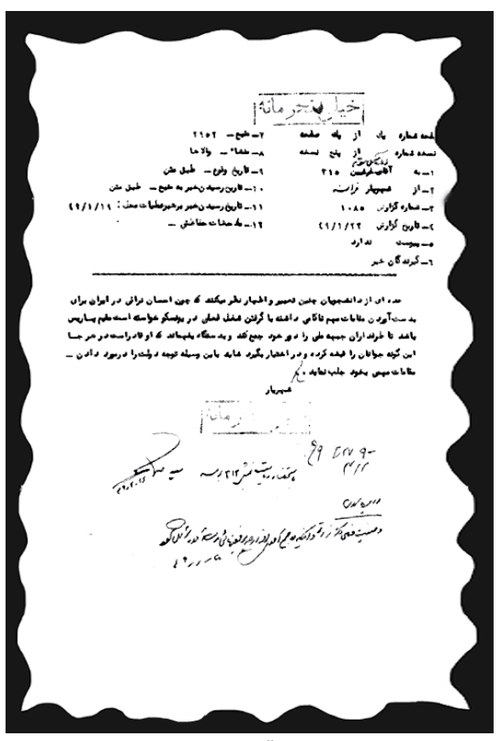

در سند ساواک به تاریخ ۱۳۴۹ آمده است: «چون نراقی برای به دست آوردن مقامات مهم ناکامی داشته با گرفتن شغل در یونسکو خواسته است در پاریس طرفداران جبهه ملی را دور خود جمع کند تا به این وسیله توجه دولت را در مورد دادن مقامات مهم به خود جلب نماید.»

پی نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

نیمهٔ پنهان
۲۹۲۷
دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان
پرواز ۶۵۵ ۱۷

بازگشت امید به خانواده با نامه یک غریبه!

ما که تنها مانده بودیم به ناچار تسلیم بازی خاطرات می‌شدیم. عبور و مرور از راه‌ها و کوچه‌ها و خیابان‌ها بطور مدام احساسی را در درونمان برمی‌انگیخت که حس غربت بود. روزها وقتی کوتاه‌تر می‌شد، اغلب دوست داشتیم که صدای زنگ بلند شود و صدای پایی آشنا در دالان خانه بپیچد اما طبیعی بود که این‌ها فقط بازی با آرزوها بود. کسی نمی‌آمد، عقربه‌ها به عادت خود حرکت می‌کردند و زنگ در خانه اگر بلند می‌شد یا برای یکی از ما بچه‌ها بود که بی‌هیچ هدفی در محله می‌گشتیم یا برای پدر که کم حرف‌تر شده بود و بهانه می‌آورد که تهران جای زندگی نیست. به نوعی همه چیز درهم ریخته بود.

***

دومین روز محرم درحالی که شب فرا می‌رسید، سر و صداهایی از خیابان آمد. صداها نزدیک و نزدیکتر و بعد دور شدند، مردانی می‌خواندند و ضربات موزونی بر طبل‌ها نواخته می‌شد. بعد چهره مادر تیره‌تر شد، با چشمانی خسته بلند شد و بیرون رفت. روی اولین پله نشست و به تماشای شب که قدرتش را برفراز آسمان به رخ می‌کشید، مشغول شد.

- یا حضرت اباالفضل ! خودت خبری از این بچه برسان. یا اباالفضل ! به داد دل من مادر برس!

عباس کنارش نشست و گفت:

- غصه نخور مادر! حتماً خبری می‌شود، نذر کرده‌ام روز عاشورا علم هیئت را به دوش بکشم، مطمئن باش خبری می‌شود.

ته دلم آشوب بود، کاش خبری از خانواده مهندس بشود. وقتی برای بردن خبر رفته بودم، فهمیدم که خانه را با عجله ترک کرده‌اند، بدون هیچ خبری. پدر می‌گفت: «خوب شد که رفتند، اگر آن‌ها را بگیرند، مهندس ناچار می‌شود خودش را تسلیم کند، باید زودتر می‌رفتند. من که به شجاعت این آدم غبطه می‌خورم، چطور می‌شود که یک نفر می‌تواند از همه چیزش بگذرد؛ زن، بچه، امنیت، کار؟ نه من که نمی‌توانم! از این‌که تصور کنم به خاطر دستگیری یا اعتراف زن و بچه‌ام را دستگیر کنند، دیوانه می‌شوم، چه برسد به این‌که زن یا بچه آدم را شکنجه کنند، خوب شد که رفتند.»

چشمانم را می‌بندم و بعد از تصور این‌که رفته‌اند، خوشحال می‌شوم اما ای کاش می‌دانستم کجا!

***

- خانوم ببخشید، برادر من که دوست صمیمی پسر شماست، ناپدید شده...

زنی که پرسان پرسان ما را پیدا کرده بود، با چهره درمانده و نگران این جمله را به مادر گفت. مادر با شنیدن این خبر دستش روی چارقدش خشکید.

- ناپدید؟

ـ بله خانوم! از دو هفته قبل هیچ خبری از او نیست، سابقه نداشته بی‌خبر جایی برود.

مادر با اندوه گفت:

- ولی خانم پسر من ماه‌هاست که ناپدید شده!

زن از تعجب خشکش زد. چهره‌اش صفا و صداقتی داشت که هیچ کجا ندیده بودم. معلوم بود که پس از گذراندن چند شب بی‌خوابی و در اوج آشفتگی و اضطراب غافلگیر شده است؛ مادر چهره برهنه‌ای از بی‌خبری محض را آشکار کرده بود. آن‌ها چند لحظه بی‌آن‌که چیزی بگویند، به همدیگر نگاه کردند. هر دو غرق اندیشه‌های خود بودند. بعد زن آرواره گردش را روی هم فشرد و با ناراحتی پرسید: «یعنی هیچ خبری از او ندارید؟»

مادر چیزی نگفت. لب‌هایش لرزش محسوسی داشت.

***

روز دوشنبه‌ای بود که پستچی نامه‌ای را آورد و تحویل پدر داد. وقتی نامه را برایمان خواند، دست‌هایش می‌لرزید. بعد روی صندلی همیشگی‌اش نشست، از نامه که روی میز مقابلش باز بود، نمی‌توانست چشم بردارد. گویی هیچ دلیلی برای نپذیرفتن جملاتی که در نامه آمده بود، پیدا نکرده بود. خیال این‌که علیرضا در زندان باشد، از هر چیز محتمل‌تر بود. اولین احساس همه ما نسبت به آن نامه، احساس شادمانی بود که پس از چند ماه بی‌خبری همه ما را در خود گرفت. همین‌که علیرضا زنده بود، جای شکر داشت.

درحالی‌که اتاق از سرخوشی این خبر انباشته می‌شد، سر و کله عباس پیدا شد. شلوار خاکی چهارجیبی را پوشیده بود که مدام هم با دکمه‌های روی جیب‌اش ور می‌رفت. مادر با دیدن عباس یک دفعه به گریه افتاد. پدر چینی به ابروهایش انداخت با همان لحن همیشگی‌اش که روی حرف«اش» تأکید داشت، گفت: «تو هم که همه‌اش آبغوره بگیر، معلوم نیست کی خوشحالی؟ کی ناراحتی؟ کی...»

شوخی پدر، بقیه را هم به حرف آورد.

«چی شد؟»

این را سارا پرسید که به‌طور معمول در این‌جور مواقع پیشقدم می‌شد.

عباس جواب داد: «هیچی!»

سارا دوباره پرسید: «کاری پیدا نکردی؟»

عباس سرش را تکان داد: «نه!»

می‌توانستم کلافگی‌اش را زیر این نوع سؤال و جواب‌ها درک کنم.

مادر گفت: «یک نامه آمده، نامه که نیست یک خبر است.»

بعد کاغذ را به عباس داد.

عباس کاغذ را گرفت و وارسی کرد:

- شاید یک نفر خواسته سربه‌سرمان بگذارد، از کجا معلوم که نامه راست باشد. شاید علیرضا الان یک گوشه دنیا دارد زندگی‌اش را می‌کند.

انگار این جمله را برای دلخوشی مادر می‌گفت. اما مادر اعتنایی به این جمله نکرد.

معماهای بسیاری برای یک زنده وجود دارد که تنها مردگان قادرند آن را پاسخ دهند و غالباً نمی‌دهند و همیشه بی‌پاسخ می‌ماند. علیرضا آن‌قدر از دست رفته می‌آمد که منتظر هر خبری بودیم؛ حتی یک خواب از دنیای مردگان. علیرضا را گم کرده بودیم، بدون هیچ رد و نشانه‌ای، دست کم بدون هیچ نشانه‌ای واقعی. تنها خبری که از او یافته بودیم یک نامه بدون امضا از طرف آدمی ناشناس بود که نوشته بود: «علیرضا در زندان اصفهان است». این خبر برای شادمانی کافی نبود، اصلاً کافی نبود. با این حال ما برای آن نامه خوشحالی کردیم. یک هفته بعد، روز چهارشنبه بود که پدر از سفر اصفهان بازگشت. وقتی آمد هوا کاملاً تاریک شده بود، بدبختی و درماندگی از سر و رویش می‌بارید. بدنش فرم کمانی را به خود گرفته بود که تا جای ممکن آن را کشیده بودند، کمان تا خورده اما به جای اصلی‌اش بازنگشته بود. از درد کمر می‌نالید و غرولند کنان چیزهایی درباره درد گفت: «امان از این درد کمر لعنتی، خدایا! مرا بکش و راحت کن، ای وای!»

بین سکوت کوتاهی که برقرار شد، به‌صورت مادر نگاه کردم. هر دو فهمیدیم که به حتم پدر با خبرخوشی بر نگشته است وگرنه همان ابتدا درد را بهانه نمی‌کرد.

- سگ صاحبش را نمی‌شناسد، دم در با یکی از نگهبان‌ها دعوایم شد، دلم می‌خواست تفنگ داشتم و یک تیر توی مغزش خالی می‌کردم.

پدر روی صندلی همیشگی‌اش نشست. بعد درحالی‌که خستگی بر او غلبه کرد، بی‌حرفی دیگر، همان‌جا روی صندلی خوابش برد، سردرد مادر شدیدتر شد، به آهستگی گفتم: «پس علیرضا را پیدا نکرده!»

و مادر باز هم قبل از این‌که به خواب برود، نذر کرد.

آگهی مزایده فروش دام

شرکت کشت و دام قیام اصفهان در نظر دارد دامهای ذیل را از طریق مزایده در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۹ به فروش برساند. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود جهت شرکت در جلسه مذکور به آدرس دفتر مرکزی شرکت، پلیس راه اصفهان، تهران - کیلومتر ۹ جاده علویجه راس ساعت ۱۱ صبح مراجعه نمایند.

۴۰ راس دام کشتارگاهی
۲۰۰ راس گوساله نر قطع شیر
۱۵۰ راس گوساله نر شیرخوار
تلفن تماس: ۰۳۱-۳۳۸۰۴۳۳۴

آگهی تغییرات شرکت نوید جوجه گیلان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۴۹ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۱۷۷۸۴۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۸/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- آقای کریم نوید طالمی فرزند صفرعلی به کد ملی ۶۵۳۹۷۱۰۰۷۰ به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و خانم معصومه باباهادی فرزند حسین به کد ملی ۲۵۹۳۷۱۴۰۸۵ به عنوان نائب رئیس و خانم فاطمه نوید طالمی فرزند کریم به کد ملی ۶۵۳۹۹۴۶۶۳۵ به عنوان عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند.
۲- کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و قراردادها حتی نامه‌های اداری با امضاء منفرد رئیس هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری رشت

آگهی تغییرات شرکت زرین پای مازران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۹۳ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۱۸۴۱۹۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۸/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- سمت اعضای هیئت مدیره به قرار زیر می‌باشد:
- آقای کریم نوید طالمی فرزند صفرعلی به کد ملی ۶۵۳-۹۷۱۰۰۷-۰ به عنوان رئیس هیئت مدیره.
- خانم معصومه باباهادی فرزند حسین به کد ملی ۲۵۹-۳۷۱۴۰۸-۵ به عنوان مدیرعامل.
- خانم فاطمه نوید طالمی فرزند کریم به کد ملی ۶۵۳-۹۹۴۶۶۳-۵ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره.
۲- کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و قراردادها حتی نامه‌های اداری با امضا منفرد رئیس هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری رشت

آگهی مزایده حضوری نوبت اول و دوم

شهرداری بیارجمند به استناد مجوز شماره ۵۱۲-۳۸ مورخ ۹۳/۰۹/۱۵ و۴۹۷-۳۸ مورخ ۹۴/۰۹/۱۸ شورای محترم شهر در نظر دارد جایگاه سوخت امام جواد(ع)، ۱۰ قطعه زمین مسکونی، ۵ قطعه زمین تجاری، یک باب ساختمان، ۳ باب مغازه تجاری، رستوران، تعدادی کامپیوتر و لوازم اسقاط، باغ انار را در بیارجمند و زائرسرای امام جواد(ع) از طریق مزایده عمومی به صورت فروش، اجاره و مشارکت واگذار نماید علاقه‌مندان می‌توانند جهت اطلاعات بیشتر از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز به شهرداری مراجعه یا با شماره تلفن۳۲۶۷۳۴۳۴-۰۲۳ تماس حاصل نمایند.

محمد کریمی - شهردار بیارجمند

پروانه ساختمان یک واحد صنعتی مستقر در شهرک صنعتی اهواز۳ به شماره پرونده ۲۹۳ و جواز تأسیس ۲۰۵۹-۰۶ مورخه ۸۵/۲/۲۳ صادره از صنایع و معادن به شماره پروانه ۸۹/۱۸۷۲ به نام آقای سیدعبدالکریم حکیم فرزند محمدطاهر به شماره‌شناسنامه ۴۶۸۱۶ صادره از بغداد کدملی ۴۷۲۰۶۱۹۸۸۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی نوین‌سازان هیدوج سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۰۴۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۷۴۳۸۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۳ به تصویب رسید. امین هادی به شماره ملی ۰۰۷۶۱۵۲۰۱۴ به سمت بازرس اصلی و سیاوش سعیدی به شماره ملی ۰۰۷۰۱۷۵۳۲۲ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت راهکار سیم صنعت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۷۵۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۷۷۹۳۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۶/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای محمدرضا کریمی به شماره ملی ۳۹۳۰۵۵۷۸۱۹ و آقای رضا کریمی به شماره ملی ۳۹۳۰۵۵۳۲۵۲ و خانم فتانه ساریخانی به شماره ملی ۰۴۵۲۹۰۳۴۷۵ بسمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
آقای وحید جعفری به شماره ملی ۰۰۷۸۷۳۸۱۹۹ به سمت بازرس اصلی و آقای محمد ساریخانی به شماره ملی ۳۹۳۰۵۵۹۴۲۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی دعوت از سهامداران شرکت خدمات زیارتی سیر سعادت بابل به شماره ثبت۶۷۷۳- ۹۰/۵/۲۲ و به شناسه‌ملی ۱۴۰۰۰۰۰۴۶۱۹

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت خدمات زیارتی سیر سعادت بابل دعوت بعمل می‌آید تا در جلسه مورخه ۹۴/۱۰/۱۵ که به آدرس بابل- امیرکلا- خ طالقانی- خ خاتم‌الانبیاء جنب مسجد آقاسید رضا کدپستی ۴۷۳۱۹۴۵۹۴۷ رأس ساعت ۱۰ صبح تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

** موضوع جلسه:
۱- انتخاب هیئت‌مدیره جدید ۲- انتخاب بازرس ۳- تغییر مکان شرکت

مدیرعامل شرکت- سیدابراهیم امسانپور

متن آگهی احضار متهم
(مربوط به دادسرا و نیز دادگاه در فرض عدم وجود کیفرخواست)

در پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۶۱۹۵۰۰۵۸۰ این شعبه مجید عباسی فرزندهوشنگ به اتهام خیانت در امانت تحت تعقیب قرار گرفته است. با عنایت به مجهول‌المکان بودن متهم و در اجرای مقررات ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا در تاریخ ۹۴/۱۱/۳ ساعت ۱۱/۳۰ جهت دفاع از اتهام انتسابی در این شعبه حاضر گردد. بدیهی است در صورت عدم حضور، مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل خواهد آمد.

منشی دادگاه کیفری شعبه ۱۱۴ دادگاه کیفری دوشهرستان کرج (۱۱۴ جزایی سابق)
- مهرداد حشمتی
کرج- بالاتر از میدان طالقانی- ساختمان مرکزی دادگستری

م الف ۲۹۵۸۰

آگهی احضار متهم

نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۹۴۰۳۴۱ -۳د این شعبه آقای صدیق حیدری فرزند گل‌محمد به اتهام تخریب و تصرف اراضی ملی به میزان ۳۲۰۰ مترمربع در روستای کانی کبود سارال از توابع شهرستان دیواندره از طرف دادسرا تحت تعقیب می‌باشد. ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت نامبرده ممکن نگردیده بدین وسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به نامبرده ابلاغ تا ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی در شعبه سوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان دیواندره جهت پاسخگویی به اتهام خویش حاضر شود، در صورت عدم حضور پس از یک ماه از تاریخ انتشار آگهی اقدام قانونی معمول خواهد شد.

عبادی- دفتر شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب دیواندره

آگهی تغییرات شرکت پیچ‌سازان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۵۲۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۰۵۸۵۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۶/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
- ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی عملکرد ۹۳ تصویب شد.
- مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایارهیافت به شماره شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به سمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی دایارایان به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۹۸۵۱۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.
- روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
- آقای مسعود نقشینه بشماره ملی ۰۰۴۳۱۹۵۵۹۸ و آقای فرهاد حسامی بشماره ملی ۱۸۱۶۶۹۹۰۶۳ و آقای فرهاد علیمراد بشماره ملی ۰۰۳۱۰۸۳۱۷۱ و آقای سیروس گودرزی بشماره ملی ۴۰۷۲۱۳۷۲۸۶ بعنوان اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

درخواست تحریر ترکه

در پرونده کلاسه ۲۵۰/۹۴ این شورا با توجه به فوت مرحوم محمدطاهر نظری سرمازه فرزند عباس توسط خانم شهری نظری سرمازه درخواست تحریر ترکه شده و قرار تحریر ترکه صادر گردیده و برای ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ راس ساعت ۱۵ بعدازظهر وقت رسیدگی جهت تحریر ترکه تعیین شده است لذا بدین وسیله به تمامی ورثه متوفای یاد شده یا نمایندگان قانونی و بستانکاران از متوفی و مدیونین به وی و هرکس که به هر طریق حقی بر ترکه متوفی دارد ابلاغ می‌گردد تا در ساعت و تاریخ یاد شده در شورای حل اختلاف شهر سرخون واقع در استان چهار محال و بختیاری - شهرستان اردل - بخش میانکوه جهت شرکت در عملیات تحریر ترکه حاضر شوند.

رئیس شورای حل اختلاف سرخون
رضا حیدری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۱۰۳۵۹ مورخه ۱۳۹۴/۸/۲۱ کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۱۵۳ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای داوود اکبری فرزند رحمتاله بشماره شناسنامه ۱۲ کدملی ۵۵۹۹۷۷۵۹۸۴ صادره از تاکستان یکباب ساختمان به مساحت ۲۶۰/۱۴ متر مربع پلاک شماره ۱۳ و ۱۶ و ۱۸ فرعی از ۶۹ اصلی واقع در قزوین جنوب شرق خریداری از مالک رسمی آقایان سید اعلای موسوی و شاهولی پیکانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۹/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۹/۳۰
توضیح اینکه شماره مرسوله پستی ۴۶۷۹۳۰۰۳۴۱۱۴۰۶۰۱۰۷۲۳ صحیح می‌باشد.

حسن غلامحسینی - رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی تغییرات شرکت نگین اندیشه البرز سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۹۵۹۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۹۹۴۷۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
موسسه حسابرسی آریان فراز به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۲۶۳۶ به عنوان بازرس اصلی و فاطمه کرمی به شماره ۰۰۸۰۱۷۸۵۳۷ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید.
روزنامه کیهان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت طلیعه سروش پایدار سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۶۱۶۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۸۷۱۲۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی فاطر به شماره ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ به عنوان بازرس اصلی و عباسعلی شریفی به شماره ملی ۱۲۶۳۲۶۹۰۹۵ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۳ به تصویب رسید. روزنامه کیهان به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت منزلگاه سهامی‌خاص به شماره‌ثبت۱۲۰۰۳ و شناسه‌ملی۱۰۱۰۰۴۶۸۵۵۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۴/۳/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
خانم مهین رحمانی به ک.م ۰۰۴۴۶۲۱۴۷۷ ب